

واکاوی روایات سبقت اسلام ابوبکر بر علی(ع) در کلام برخی تابعین از نظر علمای اهل سنت

مهدی اکبرنژاد

استاد گروه علوم قرآن و حدیث دانشکده الهیات، دانشگاه ایلام

فاطمه افراسیابی^۱

دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث دانشگاه ایلام

چکیده

وضع حدیث به معنای ساختن حدیث و نسبت دادن آن به معصومان(ع) است. این پدیده گاهی به صورت ساختن حدیث به طور کامل و یا اضافه کردن عبارتی به متن حدیث یا تغییر دادن بخشی از الفاظ آن صورت می گیرد و اغلب در زمینه اعتقادات، اخلاق و فضایل اتفاق افتاده و قدمت آن به دوران حیات رسول اکرم(ص) برمی گردد. در آن زمان یکی از مهمترین عوامل در خصوص انگیزه های ساخت حدیث؛ فضیلت سازی برای خلفاء به هدف باز کردن جایگاه اجتماعی برای آنها و بزرگنمایی در مقابل اهل بیت(ع)، مخصوصاً کم رنگ کردن فضائل امام علی(ع) بوده است. این پژوهش با روش توصیفی-تحلیلی درصدد است که احادیث مربوط به سبقت اسلام ابوبکر بر علی(ع) را در کلام تابعینی چون عامر بن شعبی، فرات بن سائب و عطاء بن عبدالله اُبی مسلم خراسانی، به قصد اثبات برابری ابوبکر با امام علی(ع) برای جانشینی پیامبر(ص) را از نگاه اهل سنت مورد نقد قرار دهد. در نهایت این نتیجه حاصل شد که این احادیث از لحاظ سندی و محتوایی با استناد به شواهد قطعی نقلی، عقلی و تاریخی از اعتبار ساقط هستند و قابل استدلال نمی باشند. از طرفی با وجود آن همه روایات معتبر و شواهد قطعی در منابع معتبر شیعه و سنی، دال بر شایستگی حضرت علی(ع) برای جانشینی پیامبر(ص)، نقل یک یا چند حدیث ساختگی از تابعین در این زمینه، خدشه ای بر آن وارد نمی کند.

واژگان کلیدی: جعل، ابوبکر، اسلام، خلافت، تابعین

^۱ نویسنده مسئول: f.afraziaby1356@gmail.com

مقدمه

پیامبر(ص) با نقش گسترده حدیث در زندگی آینده مسلمانان آگاه بود و می دانست که این نقش بزرگ، برخی را وسوسه خواهد کرد تا با نفاق و تزویر از آن سوء استفاده کنند. بنابراین ایشان بارها با مشاهده فعالیت منافقان هشدار داد، هشدارهایی درباره دروغ بستن بر حضرتش که با حدیث متواتر: «من کذب علی متعمداً فلیتبوا مقعده من النار؛ (بخاری، ۱۴۱۰؛ مسلم، ۱۴۱۲؛ ابن حنبل، ۱۴۱۴؛ دارمی، ۱۴۲۱-۲۰۰۰؛ ابوری، ۱۴۲۰) هر کس بر من عمداً دروغ ببندد، در آتش جهنم قرار خواهد گرفت» شناخته می شود. در بین پژوهشگران مسلمان هیچ تردیدی نیست که همواره عده ای در ساختن و پراکندن حدیث، به انگیزه هایی چون: خلافت و جانشینی پیامبر(ص)، روی کار آمدن معاویه به بهانه خونخواهی عثمان، خوارج و مبانی اعتقادی آنها، پیدایش تشعبات مذهبی مختلف، تشویق مردم به امور دینی و... تلاش کرده اند. نشانه جعل حدیث با تشخیص علما در مواردی مثل: اعتراف واضح، وجود غلط املائی یا ادبی، مخالفت معنای حدیث با عقل یا حس، مشهور بودن راوی به دروغ و جعل حدیث، مخالفت مضمون حدیث با مسلمات تاریخی، مخالفت با مقصد و هدف شارع، سیره عقلا، کتاب خدا و مفاد حدیث متواتر است. از آنجا که در صدر اسلام نیز موضوع سبقت در اسلام، به عنوان یکی از امتیازات بزرگ مسلمانان قلمداد می شد، برخی به این فکر افتادند تا این افتخار بزرگ را از حضرت علی(ع) سلب کنند و به دیگری واگذار نمایند، تا به این وسیله فضایل و برترهای امام علی(ع) را در اذهان عمومی کمرنگ نموده و از طرفی برای سایرین فضایی در سطح علی(ع) بسازند و آنها را در مقابل اهل بیت(ع) قرار دهند. احادیث سبقت اسلام ابوبکر بر علی(ع) در کلام تابعان در حدود ۱۶ مورد می باشد، که به دلیل گسترده شدن بحث، در این پژوهش سعی بر این است که فقط احادیث برخی از آنها مانند: عامر بن شعبی، فرات بن سائب و عطاء بن ابی مسلم خراسانی را به عنوان نمونه هایی از حدیث تابعان در مورد سبقت اسلام ابوبکر بر علی(ع)، به هدف برابری با ایشان در جانشینی پیامبر(ص) را با روش توصیفی-تحلیلی و نقد سندی و محتوایی واکاوی کند و با نگاهی نو، صحت آنها را مورد ارزیابی قرار دهد، تا مشخص شود که آیا از نظر علمای اهل سنت نیز این احادیث با کتاب خدا، احادیث متواتر، سیره عقلا و مسلمات تاریخی همخوانی دارند یا نه؟

ادبیات و پیشینه تحقیق

مقاله امیرالمومنین علیه السلام نخستین مسلمان از موسسه تحقیقاتی ولی عصر، ۱۳۹۸/۳/۵؛ کد مطلب: (۶۲۹۸)، که به صورت مفصل در فصل اول به توضیح شبهه و در فصل دوم به مطرح کردن سبقت اسلام علی(ع) در طرق مختلف از کلام پیامبر(ص) و در فصل سوم به مطرح کردن بحث از زبان شخص امام علی(ع) با چند مضمون و سند معتبر و در فصل چهارم به مطرح کردن بحث در کلام صحابه و در فصل ششم در کلام تابعین و در فصل هفتم به نقد و بررسی اسناد روایات در مورد اولین مسلمان بودن ابوبکر می پردازد.

مقاله امیرالمومنین علیه السلام و پیشتازی در اسلام، از غلامرضا گلی، زواره قمشه ای، مجله فرهنگ کوثر در سال ۱۳۸۷، شماره ۷۵؛ سبقت در اسلام را به عنوان یکی از حقایق تاریخی و امتیازات بزرگ مسلمانان در صدر اسلام معرفی می کند، که جااعلان حدیث به این دلیل رو به وضع احادیث در این زمینه آوردند تا این افتخار بزرگ را از حضرت علی(ع) سلب کرده و برای دیگران فضیلت سازی کنند.

کتاب الصحیح من السیره النبوی الاعظم، به زبان عربی از سید جعفر مرتضی عاملی، متخصص تاریخ اسلام و تشیع و سیره نگار شیعی است که تا ۳۵ جلد تمام مباحث مربوط به دوران مکه و مدینه و جزئیات رویدادها را به ترتیب تاریخی و به شیوه سال شمار در بر دارد، لذا با نگاهی نقادانه به بررسی و تحلیل گزارشهای مورخان و احادیثی که جنبه تاریخی دارند، اثری عالمانه و مبتنی بر روشهای محققانه را ارائه می دهد.

در منابع معرفی شده، مجموعه ای کامل از روایات سبقت اسلام ابوبکر بر امام علی(ع) از زبان صحابی، تابعین و بزرگان اهل سنت و یا برخی از این احادیث به صورت جزئی مطرح شده و به نقد و بررسی اجمالی آنها از لحاظ سندی و محتوایی پرداخته اند، با وجود حصول دستاوردهایی ارزشمند در این زمینه، اما تاکنون پژوهش مستقلی که تعدادی از این روایات را به طور مفصل از لحاظ سندی و محتوایی واکاوی کند و دلایل رد آنها را برای مخاطبان به شکل مبسوط از نگاه خاص اهل سنت مورد بررسی قرار دهد، ارائه نشده است. بنابراین در این پژوهش به واکاوی این احادیث در کلام برخی از تابعین به شکل مفصل و ارائه دلایل عدم پذیرش آنها برای مخاطبان، طبق استنادات و شواهدی متقن در کلام بزرگان اهل سنت با روشی متفاوت نسبت به پژوهشهای قبلی ذکر می شود.

روش تحقیق

روش تحقیق در این پژوهش به صورت توصیفی-تحلیلی و با استفاده از منابع کتابخانه ای- نرم افزاری است.

الف) مفاهیم

جعل

در لغت به معنای: خلق، و صف، صیر (جوهری فارابی، ۱۴۰۷؛ طریحی، ۱۳۷۵؛ مصطفوی، ۱۳۸۵) قرار دادن (قرشی بنابی، ۱۳۰۷) و در اصطلاح: لفظی است شامل تمام افعال و از فعل و صنع اعم است و بر پنج وجه به کار می رود: ۱- شروع ۲- ایجاد شیء ۳- ایجاد شیء از شیء ۴- تصبیر شیء از شیء ۵- حکم بر چیزی با چیزی (راغب اصفهانی، ۱۴۰۴)

فضایل

جمع «فضل» و در لغت به معنای: معروف (فراهیدی، ۱۴۰۹؛ صاحب بن عباد، ۴۱۴؛ ازهری، ۱۴۲۱) زیادت (فیومی، ۱۴۱۴؛ مطرزی، ۱۳۹۹؛ قرشی بنابی، ۱۳۰۷؛ راغب اصفهانی، ۱۴۰۴؛ طریحی، ۱۳۷۵) زیاده و خیر (ابن فارس، بی تا) زیاده از حد اقتضاء و میانه است (ابن منظور، ۱۴۱۴) خلاف نقص و نقیصه است (فیروزآبادی، بی تا؛ جوهری فارابی، ۱۴۰۷) و در اصطلاح: به دو معنا به کار رفته است: ۱- برتری ۲- عطیه و احسان و رحمت و هر دو از مصادیق اولی است (قرشی بنابی، ۱۳۰۷) در قرآن به معنای برتری دادن به کار رفته است (موسوی همدانی، ۱۳۷۴؛ طبرسی، بی تا) یا بهره دادن بیشتر از استحقاق فرد است (طالقانی، ۱۳۶۲) وقتی به پروردگار متعال نسبت داده می شود، شامل مجموعه ای از نعمتهایی است که او بر همه مخلوقات خود ارزانی داشته است (شریعتمداری، ۱۳۸۷)

خلافت

در لغت از «خلف» به معنای: موخر (فراهیدی، ۱۴۰۹) نائب و جانشین، پشت سر، پس سر (قرشی بنابی، ۱۳۰۷؛ ابن منظور، ۱۴۱۴) کسی که بعد از دیگری می آید (جوهری فارابی، ۱۴۰۷؛ فیومی، ۱۴۱۴) نقطه مقابل پیش رو (فیروزآبادی، بی تا؛ زبیدی و فیروزآبادی، ۱۴۱۱) «نیابت و جانشینی به جای دیگری» (راغب اصفهانی، ۱۴۰۴) و در اصطلاح به معنای: آمدن فردی به جای دیگری و جانشین آن شدن است (ابن فارس، بی تا) نیابت از غیر در اثر غیبت منوب عنه یا بعد از مرگش، یا بعد از ناتوانیش و یا برای شرافت نائب است (راغب اصفهانی، ۱۴۰۴)

اسلام

از ریشه (سلم) و در لغت به معنای: صلح می باشد (زمخشری، بی تا) صحت و عافیت (ابن فارس، ۱۴۰۴) و در اصطلاح به معنای دخول در صلح و خیر، به این معنی که هر یک از آنها طوری در صلح و دوستی اند که هر کدام می خواهند درد و رنج دوستش و معاشرتش به او برسد (خسروی حسینی، ۱۳۸۳)

ب) بررسی احادیث سبقت اسلام ابوبکر بر حضرت علی(ع) به قصد برابری با ایشان برای جانشینی بعد از پیامبر(ص) در کلام برخی تابعان

در زمینه نگارش احادیث ساختگی، یکی از عوامل و انگیزه های برای نوشتن حدیث، فضیلت سازی برای گذشتگان بود، آنها با این کار می خواستند پیشینیان را در مقابل اهل بیت(ع) قرار دهند؛ یعنی هر دو گروه فضیلت هایی شبیه به هم داشته اند، پس اگر اهل بیت(ع) فضائلی داشته اند، دیگران هم داشته اند و این فضایل فقط اختصاص به ایشان ندارد. در زمینه روایات سبقت اسلام ابوبکر بر علی(ع) از تابعین ۱۶ روایت نقل شده است و به دلیل گسترده شدن بحث فقط تعدادی از آنها به شکل نمونه مورد تحلیل و بررسی قرار می گیرد، که البته از لحاظ سندی و محتوایی به صورت اجمالی توسط دیگر محققان بررسی شده اند، اما اکنون به شکلی گسترده تر و با دلایل و شواهد معتبر ارائه شده از سوی خود علمای اهل سنت مورد بررسی، تحلیل، نقد و ارزیابی قرار می گیرند:

۱. بررسی و نقد سندی روایات

۱.۱ روایت نقل شده از عامر شعبی

روایت اول: ابن عبدالبر می نویسد: « شیخی برای ما از مجالد؛ از شعبی، از ابن عباس نقل کرده که از او سوال شد: کدامین شخص اولین کسی است که اسلام آورده است؟ گفت: ابوبکر! » (ابن عبدالبر، ۱۴۱۵) او نیز از شعبه؛ از عمر بن مره و ابراهیم نخعی نقل کرده: « اولین مسلمان، ابوبکر است » (ابن عبدالبر، ۱۴۱۵)

روایت دوم: به نقل از مجالد عامر شعبی می گوید: از ابن عباس سوال کردم که چه شخصی اولین مسلمان است؟ گفت: شعر حسان بن ثابت را نشنیدی که ابوبکر را اولین مسلمان معرفی کرده است! (ابن ابی شیبه، ۱۴۱۸) البته احمد بن حنبل روایت را با این سند نقل کرده است: « حدثنا عبدالله قتنا محمد بن حمید الرازی قال نا عبدالرحمن بن مغراء عن مجالد عن الشعبي قال سألت بن عباس من أول من أسلم؟ فقال ابوبکر الصديق ثم قال أما سمعت قول حسان بن ثابت! (ابن حنبل، ۱۴۱۴)

إذا تذكرت شجوا من أخی ثقة فاذکر أخاک ابابکر بما فعلا

خیر البریه أتقاها واعد لها بعد النبی و اوفایا بما حلا

الثانی التالی المحمود مشهده و اول الناس منهم صدق الرسلا

طبرانی هم در معجم الکبیر با سند دیگری آن را نقل کرده است: حدثنا مسیح بن حاتم العکلی ثنا الهیثم بن عبدی عن مجالد عن الشعبي قال سألت بن عباس : من أول من أسلم؟ قال: ابوبکر اما سمعت قول حسان بن ثابت! (طبرانی، ۱۴۰۴-۱۹۸۳) در این سه طریق، همگی روایت را به ابن عباس که او هم به عامر شعبی و او هم به شعر حسان استدلال کرده است. در نقد سندی روایت باید گفته شود که:

اولاً: شیخی که از مجالد نقل کرده، مجهول است و اصلاً مشخص نیست که چه کسی است.

ثانیاً: مجالد کسی است که مورد تضعیف علمای رجالی اهل سنت قرار گرفته است. در کتاب میزان الاعتدال به نقل از ابن معین درباره مجالد می گوید: « به او احتجاج نمی شود » احمد می گوید « او چیزی نیست » نسائی هم او را غیر قوی و دارقطنی و یحیی بن سعید او را ضعیف شمرده اند. ابن مهدی نیز از او روایت نقل نمی کرده است. (ذهبی، ۱۳۸۲) بخاری هم در مورد او اصطلاح «لیس بشیء» را مطرح می کند (بخاری، ۱۳۹۶) نسائی هم او را در نقل حدیث ضعیف می داند (نسائی، ۱۴۰۶)

ثالثاً: خود شعبی دشمن شیعه بود و از جمله کسانی است که به صراحت بر علیه شیعیان موضع گرفته و آنها را روافض می خوانده است (ابن عبد ربه، ۱۴۰۴؛ دمیری، ۱۴۲۴) به اعتراف خود شعبی او عریف قوم خویش بوده است (کسی که امور سیاسی قومی را بر عهده دارد و اطلاعات قوم را به خلیفه می دهد) و برای حجاج که از دشمنان خونخوار امام علی(ع) بوده فعالیت می کرده است (ذهبی، ۱۴۱۴) همچنین بسوی در کتاب المعرفه و التاریخ از اسماعیل بن ابی خالد نقل می کند: «

سَمِعْتُ الشَّعْبِيَّ يَحْلِفُ بِاللَّهِ دَخَلَ عَلِيٌّ عَلَى حُفْرَتِهِ وَمَا قَرَأَ الْقُرْآنَ (البسوی، ۱۹۷۴) شنیدم که شعبی قسم می خورد که علی به قبرش داخل شد، در حالی که قرآن را نخوانده بود» در کتاب لسان المیزان به نقل از بخاری آمده است که: « احادیث او از منکرات است و ابو حاتم نیز او را مجهول معرفی کرده است» (ابن حجر عسقلانی، ۱۴۱۶) با وجود این همه قرائن و شواهد دال بر دشمنی های شعبی با امام علی(ع) بنا بر این می توان نتیجه گرفت که این فرد انگیزه کاملی برای جعل خبر بر علیه شیعیان داشته و از فرصتی برای ضربه زدن استفاده کرده است، لذا نمی توان به او اعتماد کرد.

رابعاً: سند این روایت را به ابن عباس نسبت می دهند، چگونه ممکن است فردی مانند ابن عباس، این چنین فتوایی در مورد علی(ع) صادر کند؛ در حالی که ایشان روایات زیادی دال بر ذکر فضایل علی(ع) به نقل از پیامبر(ص) حکایت کرده است؛ مثلاً به نقل از رسول خدا(ص) می فرمایند: « علی با حق است و حق با علی است، او امام و جانشین پس از من است، هر کس به او تمسک جوید رستگار می شود و نجات می یابد و هر کس از او سرپیچی کند، گمراه می شود» (کشی، ۱۳۴۸) ابن عبدالبر نیز از ابن عباس نقل کرده است که: «کان علی بن ابی طالب(ع) اول من أسلم من الناس بعد الخديجة(س)» (ابن عبدالبر، ۱۴۱۵)؛ علی(ع)، اولین مسلمان از میان مردم بعد از خدیجه (س) است» و آیا این ابن عباس نیست که از رسول خدا(ص) نقل می کند: « علی اول من آمنَ بی و صدقنی(ابن شهر آشوب، ۱۳۷۶)؛ علی اولین کسی است که به من ایمان آورد و مرا تصدیق کرد» بنا بر این در اخلاص و ارادت ابن عباس به علی(ع) به گواهی تاریخ و اقرار علما، جای هیچ شک و شبهه ای نیست، پس نسبت دادن این روایت به ایشان، مبنی بر اثبات برتری ابوبکر بر علی(ع) به واسطه سبقت در اسلام، درست و قابل اعتماد نمی باشد.

خامساً: ابن شهر آشوب ضمن نقد چنین روایاتی معتقد است که: شعر حسان که در آن به سبقت اسلام ابوبکر بر علی(ع) اذعان شده است، صحیح و قابل استناد نیست؛ زیرا حسان شاعر است و مخالفت و دشمنی او با علی(ع) آشکار است(ابن شهر آشوب، ۱۳۷۶)

۱.۲ روایت نقل شده از فرات بن سائب

« اخبرنی عبدالملک قال ثنا شبابه قال ثنا الفرات قالت لميمون بن مهران كان اول اسلاماً او علي فقال: « والله لقد آمن ابوبكر بالنبي زمن بحيرا الراهب و اختلف فيما بينه و بين خديجه حتى انكحها اياه و ذلك قبا أن يولد علي رحمهما الله»(ابن حجر مکی، ۱۴۱۷؛ خلال، ۱۴۱۰)؛ ابن حجر هیشمی، از فرات بن سائب نقل می کند که از میمون بن مهران پرسیدم: آیا ابوبکر اولین کسی است که اسلام آورد یا حضرت علی(ع) گفت: به خدا سوگند! که ابوبکر به پیامبر(ص) در زمان بحیرای راهب، اسلام آورد در آن زمانی که گذر پیامبر(ص) به او افتاد... البته ابن عساکر این روایت را با سه سند از فرات بن سائب نقل کرده است(ابن عساکر، ۱۴۱۵)

۱.۲.۱ نقد سندی

اولاً: این حدیث به میمون بن مهران ختم می شود که از دشمنان و بدخواهان علی(ع) است و پذیرش این حدیث از او ظلم آشکار به اهل بیت(ع) است؛ زیرا ابن حجر عسقلانی درباره او می گوید: « میمون بن مهران بر حضرت علی(ع) حمله می نمود» (ابن حجر عسقلانی، ۱۴۱۵) ابن حجر نوشته است که: میمون بن مهران علی(ع) را همواره برتر از عثمان می دانست، اما وقتی که عمر بن عبدالعزیز شبهه ای را مطرح کرد و از او پرسید: عثمان دنیا طلب بهتر است یا علی خون ریز و مسلمان کش؟ آن زمان از اعتقاد قلبی خود برگشت و نسبت به علی(ع) بدبین شد و از دشمنان آن حضرت گردید(ابن حجر عسقلانی، ۱۴۱۵)

ثانیاً: فرات بن سائب که راوی این روایت از میمون بن مهران است، از نظر رجالیون تضعیف شده است؛ زیرا در میزان الاعتدال آمده است که: « بخاری و ابن معین، او را منکر الحدیث، دارقطنی و نسائی، او را متروک و ابو حاتم او را ضعیف الحدیث دانسته اند» (ذهبی، ۱۴۱۴؛ نسایی، ۱۴۰۶؛ بخاری، ۱۳۹۶) ابوبکر خلال نیز بعد از ذکر این روایت، به سند روایت اشکال وارد

می کند و استناد کردن به آن را صحیح نمی داند، لذا درباره آن می نویسد: «اسناده لا یصح لأن فیہ الفرات بن السائب منکر الحدیث» (خلال، ۱۴۱۰)

البته همین روایت از فرات بن سائب در قاموس الرجال نیز نقل شده است که: فرات می گوید: «از میمون بن مهران پرسیدم: علی برتر است یا ابوبکر و عمر؟» بدنش به لرزه درافتاد و گفت: فکر نمی کردم تا زمانی که زنده باشم، کسی را در کنار ابوبکر و عمر قرار داده و با این دو مقایسه کنند، ابوبکر و عمر در رأس اسلام و جماعت بودند» فرات می گوید: «باز پرسیدم ابوبکر زودتر مسلمان شد یا علی؟» او قسم خورد و گفت: «ابوبکر در زمان بحیرای راهب به پیامبر ایمان آورده بود و وساطت ازدواج پیامبر با خدیجه را بر عهده داشت و در این سالها هنوز علی به دنیا نیامده بود» (شوشتری، ۱۳۷۸) ابن حبان نیز بعد از معرفی فرات بن سائب او را به شدت تضعیف کرده و قول برخی از علمای اهل سنت را در تضعیفش این گونه نقل کرده است: فرات بن سائب از جمله کسانی است که روایات ساختگی را از راویان مورد اعتماد و روایات مشکل را از راویان موثق نقل می کند (ابن حبان، ۱۴۰۲) ابن حجر نیز او را متروک الحدیث، منکر الحدیث، لیس بشیء، ضعیف الحدیث و ذاهب الحدیث توصیف کرده است (ابن حجر عسقلانی، ۱۴۱۵) زیرا چگونه ممکن است ابوبکر اولین مسلمان باشد، در حالی که در آن زمان (قبل از ازدواج با خدیجه و چهل سالگی) هنوز محمد(ص) به پیامبری مبعوث نشده بود و آئین اسلام را برای پیروانش به ارمغان نیاورده بود! پس چگونه ممکن است، ابوبکر در آن زمان اسلام آورده باشد؟ لذا این روایت علاوه بر ضعف سند، از لحاظ محتوایی نیز صحیح نمی باشد.

ثالثاً: وجود روایات متقابلی در این زمینه که دال بر اقرار شخص ابوبکر در سبقت اسلام علی(ع) بر او دارد، حاکی از واقعیت و ساختگی بودن این روایات دارد. ابواسحاق ثعلبی از زبان شخص ابوبکر نقل می کند که: «یا اسفی علی ساعه تقدمنی فیها علی بن ابیطالب، فلو سبقته لکان لی سابقه الاسلام» (ابن شهر آشوب، ۱۳۷۶)؛ چه قدر جای تاسف است برای من در آن ساعتی که علی در اسلام بر من پیشی گرفت، اگر من از او سبقت گرفته بودم، گوی سبقت را از او برده بودم!

«اگر واقعاً ابوبکر در اسلام آوردن بر علی(ع) سبقت داشته، چرا در روز سقیفه یا در مواقعی دیگر به این مطلب تصریح نکرده است؛ زیرا به استناد تاریخ ابوبکر در روز سقیفه در چند نوبت سخنرانی کرد و به بیان امتیازات مهاجرین بر انصار چون: پیشگامی در تصدیق رسالت پیامبر(ص)، سبقت در ایمان و عبادت خدا، رابطه خویشی و دوستی مهاجران با پیامبر(ص)، اولویت داشتن آنان برای جانشینی پیامبر(ص) و همچنین بیان مناقب و شایستگی های و اولویت های انصار برای تصدی مقام وزارت و نه حکومت، نهی مخالفت با جانشینی مهاجران را به اطلاع عموم رسانده است (طبری، ۱۴۰۴) ابوجعفر اسکافی معتزلی نیز در تائید این مطلب می گوید: «اگر واقعاً ابوبکر در اسلام بر علی(ع) سبقت داشته و اولین مسلمان بوده، چرا هیچ وقت خودش به این نکته اشاره نکرده و یا در ماجرای سقیفه به آن احتجاج نکرده و چرا هیچ یک از طرفداران او هیچ وقت ادعایی در این زمینه نداشته اند؟! (ابن ابی الحدید، ۱۳۸۷) اگر ابوبکر واقعاً اولین مسلمان بود و قبل از ولادت علی(ع) به پیامبر ایمان آورد، پس روزی که عباس به عبدالله بن مسعود گفت: «ما علی وجه الأرض بهذا الدین إلا هولاء الثلاثة: محمد، علی و خدیجه» (ابن عساکر، ۱۴۱۵) ساکت ماند و چیزی نگفت. لذا اکنون این سوال مطرح است که چرا ابوبکر در مورد سبقت اسلام خویش بر علی(ع) چیزی نگفته است؟ زیرا اگر این امر حقیقت داشت، هم ابوبکر و هم طرفدارانش انگیزه کافی برای نقل آن داشته اند و باید در آن روز مهم (سقیفه) برای اثبات فضایل و برتریهای ابوبکر بر سایرین، مخصوصاً امام علی(ع) گفته می شد و همین که در جایی گفته نشده و خود او هم به این مطلب اقرار نکرده، این نتیجه حاصل می شود که این یک روایت ساختگی بیشتر نیست و حقیقتی در ورای آن وجود ندارد

۱.۳ روایت نقل شده از عطاء بن ابي عبدالله ابي مسلم خراسانی

ابوبکر خلال این روایت را این گونه نقل می کند: وأخبرنا احمد بن ابوالفرج ابوعتبه الحمصی قال: «اول من أسلم من الرجال ابوبکر الصديق رضی الله عنه» (خلال، ۱۴۱۰)

۱.۳.۱ نقد سندی:

اولاً: با توجه به اینکه مرسل در معنای خاص این آگونه تعریف می شود: هر حدیثی که به تابعان بدون ذکر نام صحابه از پیامبر نقل کنند. بنابراین روایت نقل شده مرسل است؛ زیرا مجاهد از تابعین است و روایتش مرسله منظور می شود (نصیری، ۱۳۸۵) ابوبکر خلال نیز به محض ذکر روایت، در ادامه عنوان می کند که سند این روایت ضعیف است (خلال، ۱۴۱۰) ثانیاً: بخاری نام او را در زمره ضعفاء ذکر می کند (بخاری، ۱۳۸۶) عقیلی نیز بر این نظر تاکید دارد و او را از ضعفاء می داند (عقیلی، ۱۳۸۷) همچنین ذهبی نیز ایشان را از جمله ضعفاء معرفی کرده و استدلال و احتجاج به آن را باطل می داند (ذهبی، ۷۴۸) ابن حجر عسقلانی نیز معتقد است که حدیث ایشان مرسل است و گرفتار تدلیس است (ابن حجر عسقلانی، ۱۹۸۳-۱۴۰۳) ابن حبان نیز معتقد است که: فردی کثیرالوهم بود، از آنچه روایت می کرد علمی حاصل نمی شد و در اکثر مواردی که از او روایت می شود، احتجاج به آن باطل است (ابن حبان، ۱۴۰۲) ثالثاً: در طریق نقل حدیث از عطاء بن عبدالله ابی مسلم خراسانی فردی به نام احمد بن ابوالفرج بن عتبه حمصی قرار دارد، که ذهبی او را در نقل حدیث ثقه نمی داند (ذهبی، ۷۸۴) و تعداد زیادی از علمای اهل سنت بر این نظرند که او فردی کذاب است و عبارت «لم یسمع منه شیء» را در مورد او به کار می برند (ذهبی، ۷۸۴؛ ابن جوزی، ۱۴۰۶؛ ابن حجر عسقلانی، ۱۴۱۶؛ ذهبی، ۱۳۸۷؛ ابن عدی جرجانی، ۱۴۱۸؛ عسقلانی، ۱۳۲۶) بنابراین با تمام اشکالاتی که بر شخص راوی این حدیث و فردی که در طریق نقل حدیث وجود دارد، این نتیجه حاصل می شود که این روایت نیز قابل استناد نبوده و جعلی و ساختگی است، همان طور که اشخاصی نیز در تحقیقات قبلی به صورت اجمالی به این نکته اشاره کرده بودند.

۲. بررسی و نقد محتوایی روایات

روایات وارده در مورد سبقت اسلام ابوبکر بر علی (ع) از لحاظ محتوایی نیز قابل پذیرش و استناد نیست؛ زیرا محتوای این روایات مخالف با شواهد و قرائن موجود در این زمینه است، چرا که شواهد فراوانی در روایات نقل شده از علمای اهل سنت دال بر این مطلب است که علی (ع) بعد از حضرت خدیجه (س)، اولین کسی است که به پیامبر (ص) اسلام آورده است.

۲.۱ مخالفت احادیث وارده از معصومان (ع) در منابع معتبر اهل سنت با روایات نقل شده

در این قسمت با تصریح به روایات فراوان نقل شده از علمای اهل سنت در این زمینه مشخص می شود که احادیث وارد شده از تابعان در این زمینه، همگی ساختگی است. پیامبر (ص) فرمودند: «اولین کسی که در کنار حوض بر من وارد می شود، اولین فردی است که به من ایمان آورده است؛ حضرت علی بن ابیطالب (ع)» (حاکم نیشابوری، ۱۴۱۱) همچنین در حدیث دیگری خطاب به حضرت فاطمه (س) می فرمایند: «به راستی، علی (ع) اولین نفر از اصحاب من است که اسلام آورده است» (شیبانی، ۱۴۱۴) و همچنین به ایشان می فرمایند: «تو را به ازدواج بهترین امت خودم در آوردم؛ کسی که از حیث علم اعلم مردم و از حیث حلم افضل مردم و در انتخاب اسلام اولین مردم بود» (حاکم نیشابوری، ۱۴۱۱) در تایید این روایت می توان به کلام حضرت علی (ع) در احتجاج با ابوبکر اشاره کرد، که فرمودند: آیا رسول خدا (ص) درباره من به دخت خود فاطمه (س) فرمود: تو را به کسی تزویج می کنم که اولین مردمانی بوده که به اسلام ایمان آورده و اسلام او بر سایر مردم تفوق دارد یا در حق تو؟ ابوبکر گفت: البته درباره تو فرمود (بدرخانی، ۱۳۹۷) همچنین خطاب به علی (ع) می فرمایند: «تو اولین فرد از صحابه هستی، که به خدا ایمان آورده است» (ابی نعیم اصفهانی، بی تا)

۲.۲ نظر مفسران اهل سنت در ذیل آیه ۱۹ سوره توبه

سیوطی به نقل از طلحه ذکر می کند: «من صاحب خانه کعبه ام و کلید آن در دست من است» عباس گفت: «من صاحب سقایه و آب دادن و مأمور بر آن هستم!» علی (ع) گفت: «نمی دانم چه می گوید! من قبل از مردم، سوی قبله نماز خواندم و من، صاحب جهادم» آن گاه خداوند این آیه را نازل کرد (سیوطی، ۱۳۱۴) واحدی نیز در تایید این مطلب می گوید: «به راستی این آیه در شأن علی (ع) نازل شد، هنگامی که طلحه و عباس به مقام خود افتخار می کردند، آن گاه خداوند این آیه را برای

بیان فضیلت علی(ع) نازل کرد. (واحدی نیشابوری، ۱۴۰۰) بنابراین، مراد از سخن خداوند: «کمن آمن بالله و الیوم الآخر و جاهد فی سبیل الله» علی علیه السلام است و معیار برتری در نزد خدا عبارت است از: ایمان به خدا و جهاد در راه او. اما پست‌ها و مقام‌ها، بسیاری از اوقات، صاحبان خود را به تباهی و نابودی کشانده‌اند. (مغنیه، ۱۳۷۸) که البته این حدیث را متأخران اهل سنت مانند: قندوزی در ینایع الموده (قندوزی حنفی، ۱۴۱۶) به نقل از سنن نسائی؛ ابن مغزلی شافعی در «مناقب علی ابن ابی طالب(ع)» (ابن مغزلی شافعی، ۱۴۰۲) حموی در «فرائد السمطین» (جوینی خراسانی، ۱۳۹۸) و ابن صباغ مالکی در «الفصول المهمه» (ابن صباغ مالکی، ۱۴۰۸) نقل کرده اند.

۲.۳ وجود مسلمات تاریخی مخالف با روایات نقل شده

در تاریخ هم شواهدی از ناحیه مورخان اهل سنت آمده است که علی(ع) اولین مردی است که به پیامبر(ص) ایمان آورد و اسلام را پذیرفت. یعقوبی در تاریخ یعقوبی می نویسد: «و کان من أسلم خدیجه بنت خویلد(س) من النساء و علی بن ابیطالب(ع) من الرجال(یعقوبی، ۲۸۴)؛ خدیجه(س) نخستین بانویی بود که مسلمان شد و علی(ع) نیز نخستین مردی بود که اسلام آورد» در تاریخ طبری هم، به نقل از ابواسحاق آمده است که: «اولین مردی که به رسول خدا(ص) ایمان آورد و با او نماز گزارد و هر آنچه بر او نازل شد را تصدیق کرد؛ علی بن ابیطالب(ع) بود و از جمله نعمتهای خدا بر او این بود که قبل از اسلام در دامان پیامبر(ص) پرورش یافت» (طبری، ۱۴۰۴)

همچنین به نقل از عقیف بن قیس کندی نقل می کنند که: رسول اکرم(ص) با علی(ع) و خدیجه(س) مشغول نماز خواندن بودند، در حالی که مردم بت پرست نیز شاهد این صحنه بودند و به رکوع و سجود آنها توجه می کردند. در این زمان عقیف به عباس ابن عبدالمطلب گفت: چه امر بزرگی است! عباس هم تأیید کرده و از او می پرسد که می دانی این جوان کیست؟ گفت: نه! عباس گفت: پسر برادرم، محمد بن عبدالله است. باز می پرسد که جوان دیگر کیست؟ عقیف: او کیست؟ عباس گفت: پسر برادر دیگرم علی بن ابیطالب است و آن زن هم خدیجه دختر خویلد، همسر محمد است، محمد فکر می کند که خدایش آفریننده آسمان و زمین است و او را به دین دستور داده است و او پیامبر خداست، اما فقط همین جوان؛ علی بن ابیطالب و همسرش خدیجه او را تأیید و تصدیق کرده اند. (احمد بن حنبل، ۱۴۱۴؛ ابن اثیر، ۱۹۶۵-۱۳۸۵؛ طبری، ۱۴۰۴؛ ابن ابی الحدید، ۱۳۸۷)

۲.۴ دلایل عقلی در جهت عدم پذیرش روایات نقل شده

انسان با تمسک به قوه عاقله خود نیز به خوبی درمی یابد که: محتوای این روایات قابل قبول نبوده و به سه دلیل وجود آنها را رد می کند: اولاً: این دسته از روایات در صحاح سته و سنن و مسانید قدیم وجود ندارند، در حالی که روایات مخالف آنها در جوامع حدیثی متقدم اهل سنت ذکر شده اند. ثانیاً: اگر این روایات صحیح بود، ابوبکر هرگز ابوعبیده را از خود برای خلافت سزاوارتر نمی دانست و او را بر خویش مقدم نمی کرد ثالثاً: اگر واقعاً ابوبکر در اسلام بر علی(ع) و سایرین پیشی گرفته بود، قطعاً به واسطه این فضیلت خود را برتر از سایرین می دانست و در جریان خلافت به این احادیث احتجاج می کرد، در حالی که شواهد تاریخی حاکی از خلاف این مطلب است.

۲.۵ تصریح برخی علمای اهل سنت به تقدم اسلام علی(ع) بر دیگران

در باره اسلام آوردن ابوبکر در میان علمای اهل سنت نیز اختلاف دیده می شود، برخی از آنها ابوبکر را چهارمین فرد مسلمان بعد از خدیجه(س) و علی(ع) و زید بن حارثه می دانند و برخی از آنها نیز معتقدند که: او اولین نفر از بین این چهار نفر بوده است. اما تعدادی از بزرگان اهل سنت در دفعات فراوان نقل کرده اند که علی(ع) در اسلام و ایمان بر دیگران مقدم بوده است و لایق ترین فرد برای انتساب مقام خلافت بعد از پیامبر(ص) می باشند، خود این ادعا می تواند، شاهی معتبر برای اثبات ساختگی بودن محتوای روایاتی باشد که در این زمینه نقل شده اند، لذا در این زمینه روایاتی دال بر این مطلب از کلام عالمان

و بزرگان اهل سنت چون: ابن اسحاق، ابن شهاب، محمد بن المنکدر، ربیع بن فروح، مسعودی، عبدالله بن محمد بن عقیل، محمد بن عبدالله بن حسین المثنی، حاکم نیشابوری، ابونعیم اصفهانی، طرسوسی، ابن تیمیه، حسن بن عمر بن حبیب، زین الدین عراقی، عینی حنفی حلبی، ابن ابی الحدید و ... نقل شده است که در این قسمت به برخی از آنها اشاره می شود.

۱. وجود روایات تاریخی حاکی از سبقت اسلام علی(ع) بر ابوبکر است (یعقوبی، ۲۸۴؛ ابن هشام، بی تا؛ ابن سعد، بی تا؛ مسعودی، ۱۴۰۹)

۲. روایت احمد بن حنبل: « به نقل از زید بن ارقم می گوید: «اول من اسلم مع رسول الله(ص)، علی ابن ابی طالب(ع)» (احمد بن حنبل، ۱۴۱۴)

۳. در سنن نسایی نقل شده است که: «علی(ع) اولین مردی بود که به پیامبر(ص) ایمان آورد» (نسایی، ۲۱۵-۳۰۳؛ ابن ابی الحدید، ۱۳۸۷)

۴. ذهبی هم می گوید: « از ابن عباس ثابت شده که اولین مسلمان، علی(ع) است» (ذهبی، ۱۴۰۹)

۵. ابن ابی الحدید معتزلی می گوید: «چه بگویم، درباره کسی که از همه به هدایت پیشی گرفت، به خدا ایمان آورده و عبادت کرد، در حالی که تمام مردم روی زمین سنگ را عبادت می کرده و خالق را منکر بودند! کسی او را در توحید سبقت نگرفت، جز سابق به خیر، حضرت محمد رسول الله(ص)» (ابن ابی الحدید، ۱۳۸۷) و نیز به نقل از شداد بن اوس می گوید: « از خباب بن ارت درباره اسلام علی(ع) پرسیدم در جوابم گفت: علی(ع) در حالی که پانزده سال داشت، اسلام آورد. من او را مشاهده کردم که قبل از مردم با پیامبر(ص) نماز می گزارد؛ در حالی که در آن وقت، بالغی کامل بود» (ابن ابی الحدید، ۱۳۸۷) به نقل از پیامبر(ص) می فرماید: « هذا اول من آمن بی و صدقتی و صلی معی» (ابن ابی الحدید، ۱۳۸۷)

۶. ابن عبد البر به نقل از ابوالحسن: «علی(ع) در سن پانزده سالگی اسلام آورد و او اولین کسی بود که شهادت به لا اله الا الله و محمد رسول الله(ص) داد» (ابن عبد البر، ۱۴۱۵) همچنین می گوید: «سألت خباب بن الارت عن اسلام علی(ع) فقال: اسلم و هو ابن خمس عشرة سنة و لقد رأیته یصلی قبل الناس مع النبی(ص) و هو یومئذ بالغ مستحکم البلوغ» (ابن عبد البر، ۱۴۱۵)؛ از سلمان، ابوذر، مقداد، خباب، ابوسعید خدری و زید بن ارقم روایت شده که علی(ع) اولین فردی است که اسلام آورده و این افراد همگی، علی(ع) را بر دیگران برتری داده اند و به نقل از انس بن مالک نیز می گوید: « استنبی ء النبی (ص) يوم الاثنين و صلی علی(ع) يوم الثلاثاء» (ابن عبد البر، ۱۴۱۵)؛ پیامبر(ص) در روز دوشنبه به رسالت مبعوث شد و علی(ع) در روز سه شنبه با او نماز گزارد» و نیز از پیامبر(ص) نقل می کند که: « اولکم وروداً علی الحوض اسلاماً علی بن ابیطالب(ع)» (ابن عبد البر، ۱۹۹۲)

۷. ابوجعفر اسکافی می گوید: « و هر گاه در روایات صحیحه و سندهای قوی و مورد اطمینان تأمل کنیم، می یابیم که همگی متفق القولند که علی(ع)، اولین مسلمان است» (ابن ابی الحدید، ۱۳۸۷؛ ابن عبد البر، ۱۹۹۲) و نیز می گوید: « روی الناس كافة افتخار علی(ع) بالسبق إلى الاسلام» (امینی، ۱۴۱۶)

۸. شیبانی نقل می کند: پیامبر(ص) بارها خطاب به علی(ع) می فرمایند: «تو ولی من در دنیا و آخرت هستی» (شیبانی، ۱۴۱۴؛ ماحوزی، معاصر) و بعد از نزول آیه انذار و دعوت خویشاوندان و درخواست یاری از آنان برای ترویج دین اسلام، زمانی که میهمانان سکوت کردند و در خواستش را لیبک نگفتند، فقط علی(ع) بود که برخاست و گفت: «من یار و یاور تو خواهم بود» و بعد از سه بار تکرار درخواست پیامبر(ص)، باز هم همه سکوت کرده و فقط علی(ع) قاطعانه اعلام آمادگی کرد، پس از آن پیامبر(ص) دستش را گرفت و بیعتش را پذیرفت و فرمود: «همانا این، برادر من، وصی من و جانشین من در میان شما خواهد بود» (طبری، ۱۴۰۴؛ متقی هندی، ۱۴۱۹)

۹. ابن جوزی هم در مطرح کردن احادیث جعلی، بابتی را در رابطه با فضیلت سازی برای ابوبکر اختصاص داده و روایات مربوط به سبقت اسلام ابوبکر بر علی(ع) را در این باب ذکر می کند (ابن جوزی، بی تا) ابن جوزی معتقد است که تعصب

برخی از مدعیان پیروی از اهل سنت، موجب شده تا فضایی را در شأن ابوبکر جعل کنند و به وسیله آن به معارضه با جعلیات رافضه بر خیزند (واسعی، ۱۳۹۸)

۱۰. حاکم نیشابوری به نقل از سلمان فارسی به نقل از پیامبر(ص) فرمودند: «اول هذه الأمة وروداً علی الحوض اولها اسلاماً علی بن ابیطالب(ع)» (حاکم نیشابوری، ۱۴۱۱)

۱۱. ابن حجر به نقل از ذهبی در کلامش عنوان می کند که: «حضرت علی(ع) می فرمود: «من با رسول خدا(ص) عبادت خداوند می کردیم، در حالی که هفت سال داشتم» (ابن حجر مکی، ۱۴۱۷)

۱۲. حلبی نیز معتقد است که پیامبر دست علی را بالا برد و گفت: «ان هذا اول من آمن بی و هذا اول من یصافحنی و هذا صدیق الاکبر» (حلبی، ۱۴۲۷)

با وجودی که فقط سه تا از روایات نقل شده در کلام تابعین در مورد سبقت اسلام ابوبکر بر علی(ع) در این پژوهش از نظر علمای اهل سنت مورد بررسی تفصیلی قرار گرفت، اما برای ما محرز شد که آنها هم از نظر سند و هم از لحاظ محتوایی دارای اشکال می باشند. البته ۱۳ روایت دیگر نیز توسط موسسه تحقیقاتی ولی عصر بررسی شده و ضعف سندی و محتوایی آنها به صورت اجمالی اثبات شده است، بنابراین این روایات از نظر علمای اهل سنت نیز قابل احتجاج نخواهند بود و با توجه به نقد سندی و محتوایی مفصل روایات و دلایل متقن ارائه شده برای مخاطبان به جهت عدم پذیرش آنها مشخص می شود که این احادیث به طور کلی در مقابل معیارهای استوار و متناسبی که منجر به اطمینان و صدور حدیث و انتساب آن به امامان معصوم(ع) است، تاب نیاوردند. از طرفی نازل شدن آیاتی چون: آیه انذار و آیه ولایت در شأن والای علی بن ابیطالب(ع) برای خلافت و جانشینی پیامبر(ص) و تکرار احادیث صحیح و متواتری مانند: حدیث جابر، حدیث ثقلین، حدیث غدیر، حدیث منزلت و... دلالت بر شایستگی ایشان برای کسب منصب ولایتعهدی بعد از پیامبر(ص) دارد و با نقل یک یا چند حدیث ساختگی در این زمینه، خدشه ای بر آن وارد نمی شود. پس طبق نظر علمای اهل سنت نیز این روایات ساختگی بوده و مخالف تفسیر آیات و روایات متواتر از اهل بیت(ع) و بزرگان دین است و فقط به قصد برابری و شایستگی دیگران با امام علی(ع) برای کسب منصب خلافت است.

نتیجه گیری

با توجه به آنچه که گذشت چنین به دست آمد: وضع حدیث که آغازش در دوران پیامبر اسلام(ص) بوده در تاریخ اسلامی در موضوعات مختلف رواج یافته است، از جمله این موارد روایات گویای سبقت ابوبکر در اسلام بر امام علی(ع) به هدف توجیه خلافت وی بعد از رسول خدا(ص) می باشد که نظر به بررسی سندی و متنی که از اینگونه احادیث به عمل آمد روشن شد که در دیدگاه خود اهل سنت نیز سند این روایات از اعتبار لازم برخوردار نیستند و اشکالات زیادی بر اسناد آنها وارد است و شواهد و قرائن بیانگر آن است که متن آنها هم دارای اشکالات و نقدهای زیادی می باشد، بنابر این هم ضعف اسناد و هم محتوا گویای وضعی بودن این احادیث بوده و تنها برای اثبات اولویت ابوبکر در خلافت ساخته شده اند.

منابع

ابن ابی الحدید، عبدالحمید بن هبه الله، (1387)، شرح نهج البلاغه، ج ۱، ۲، ۳، ۱۲، ۱۳، چاپ دوم، قم، دارالاحیاء تراث ابن ابی شیبه، عبدالله بن محمد، (۱۴۱۸-۱۹۹۷) مصنف ابن ابی شیبه فی الاحادیث و الآثار، ج ۷، (محقق: غزاوی، عادل بن یوسف)، ریاض - عربستان، بی نا.

ابن اثیر، ابوالحسن علی بن محمد بن عبدالکریم، (بی تا)، اسدالغابه فی معرفه الصحابه(محقق: النبا و عاشور، محمدابراهیم و محمداحمد)، بیروت، دارالاحیاء تراث عربی.

- ابن اثیر، علی بن محد، (۱۹۶۵-۱۳۸۵)، الكامل فی التاريخ، ج ۲، چاپ اول، بیروت لبنان، دار صادر.
- ابن جوزی، جمال الدین ابوالفرج بن عبدالرحمن بن علی بن محمد، (۱۴۰۶)، الضعفاء و المتروکین، ج ۱، (محقق: عبدالله قاضی)، بیروت، دارالکتب علمیہ.
- ابن جوزی، عبدالرحمن بن علی، (بی تا)، الموضوعات، ج ۳، (محقق: حمدان، توفیق)، بیروت- لبنان، دارالکتب علمیہ.
- ابن حبان، محمد بن حبان، (۱۴۰۲)، المجروحین من المحدثین و الضعفاء و المتروکین، ج ۲، (محقق: زاید محمد ابراهیم)، سوریه، دارالسوعی.
- ابن حجر عسقلانی، شهاب الدین ابوالفضل احمد بن علی بن حجر، (۱۴۱۵)، الإصابه فی تمییز الصحابه، ج ۱۰، ۴، (تحقیق: معوض و عبدالوجود، علی محمد و عادل احمد)، بیروت، دارالکتب علمیہ.
- ابن حجر عسقلانی، شهاب الدین ابوالفضل احمد بن علی بن علی، (۱۴۱۶)، لسان المیزان، ج ۱، ۳، (محقق: مرعشی، محمد عبدالرحمن)، بیروت، دار إحياء تراث عربی.
- ابن حجرهیشمی مکی، أبی العباس احمد بن محمد بن علی، (۱۴۱۷)، صواعق المحرقه فی ردّ اهل بدع و زندقه (محقق: کامل محمد خراط، عبدالرحمن بن عبدالله ترکی)، بیروت، موسسه رساله
- ابن زهیر، احمد بن زهیر بن حرب، (۱۹۹۷)، اخبارالمکبیین، تحقیق: اسماعیل حسن حسین، چاپ اول، ریاض، دارالنشر دارالوطن.
- ابن سعد، محمد بن سعد بن منیع بغدادی، (بی تا)، طبقات الکبری، ج ۳، (تحقیق: محمد عبدالقادر عطاء)، بیروت، دارالکتب علمیہ
- ابن شهر آشوب، محمد بن علی، (۱۳۷۶)، مناقب آل ابیطالب (ع)، ج ۲، بی جا، مکتبه الحیدریه.
- ابن صباغ مالکی، علی بن محمد بن احمد مالکی مکی، (۱۴۰۸)، الفصول المهمه فی معرفه احوال الائمہ، بیروت، موسسه اعلمی.
- ابن عبد ربه، ابوعمراحمدين محمد، (۱۴۰۴)، العقدالفريد، بیروت، منشورات بیضون دارالکتب علمیہ
- ابن عبدالبر قرطبی مالکی، ابی یوسف عمر بن عبدالله بن محمد، (۱۴۱۵-۱۹۹۴)، الدرر فی اختصار المغازی و السیر، (محقق: ضیف شوقی)، قاهره- مصر، احياء تراث الاسلامی
- ابن عبدالبر قرطبی مالکی، ابی یوسف عمر بن عبدالله بن محمد، (۱۹۹۲م-۱۴۱۵)، الاستيعاب فی معرفه الاصحاب (محقق: معوض و عبدالوجود، علی محمد و عادل احمد)، ج ۳، بیروت، دارالکتب علمیہ.
- ابن عدی جرجانی، ابواحمد، (۱۴۱۸-۱۹۹۷)، الكامل، ج ۱، (محقق: عادل احمد عبدالوجود و علی محمد عوض)، بیروت- لبنان، دارالکتب علمیہ
- ابن عساکر، علی بن حسن، (۱۴۱۵)، تاریخ مدینه دمشق و ذکر فضلها و تسمیه من الأمائل او اجتاز بنواحيها من واردیها و اهلها، ج ۳، ۳۰، بیروت، دارالفکر
- ابن عقده کوفی، احمد بن محمد، (بی تا)، فضایل امیرالمومنین (ع) (محقق: حرز الدین، عبدالرزاق محمد حسین)، بی نا، بی جا.
- ابن فارس، احمد، (۱۴۰۴)، معجم مقائیس اللغه، ج ۳، ۴، (محقق: هارون، عبدالسلام محمد)، قم، مکتب اعلام اسلامی.
- ابن منظور، محمد بن مکرم، (۱۴۱۴)، لسان العرب، ج ۱، ۲ و ۶، چاپ سوم، بیروت، دار صادر.
- ابن هشام، عبدالملک، (بی تا)، سیره نبویه (تحقیق: مصطفی القا و دیگران، بیروت، دارالمعرفه.
- ابوریه، محمود، (۱۴۲۰)، اضواء علی السنه النبویه (دفاع عن الحدیث)، چاپ دوم، قم، موسسه انصاریان.
- أزهري، محمد بن احمد، (۱۴۲۱)، تهذیب اللغه، بیروت، تراث عربی.
- اصبهانی ابونعیم، (۱۴۰۵)، حلیه الاولیاء و صفت الأصفیاء، چاپ چهارم، بیروت، دارالکتب عربی.
- اصفهانی، ابی نعیم، (بی تا)، کتاب الضعفاء نوادر المخطوطات، ج ۱، (محقق: فاروق، حماده)، دار بیضاء مغرب، دارالثقافه امینی، غلامحسین، (۱۳۷۸)، الغدير فی الكتاب و السنه و الادب (ترجم: بهبودی، محمدباقر)، ج ۳، چاپ ۱۳، تهران، بنیاد بعثت.

- بخاری(جعفی)، محمدبن اسماعیل بن ابراهیم بن مغیره بن بردزبه جعفی(بخاری، ابو عبدالله)، (۱۳۹۶)، الضعفاء الصغیر(محقق: زاید، محمود ابراهیم)، حلب، دارالوعی.
- بخاری، ابی عبدالله محمدبن اسماعیل، (۱۴۱۰)، صحیح، ج ۱، (تحقیق: مصطفی دیب البغا)، بیروت، دار ابن کثیر بدرخانی، غلامرضا، (۱۳۹۷)، احتجاج امیرالمومنین بر ابوبکر در جانشینی پیامبر(ص)، گنجینه معارف، پایگاه اطلاع رسانی حوزه نت، ش ۱، ص ۱
- بسوی، ابی یوسف یعقوب بن سفیان، (۱۹۷۴)، المعرفه و التاریخ، ج ۱، (محقق: صفاء العمری، اکرم)، بغداد، احیاء التراث الاسلامی.
- جوهری فارابی، ابونصر اسماعیل بن حماد، (۱۴۰۷)، تاج اللغه و صحاح العربیه، ج ۴، ۵، (محقق: عطار، عبدالغفور)، چاپ چهارم، بیروت، دارالعلم ملایین.
- جوینی خراسانی، ابراهیم بن محمدبن مویدبن عبدالله، (۱۳۹۸)، فرائد السمطین فی فضائل المرتضی و البتول و السبطین و الائمة من ذریتهم، ج ۱، (محقق: محمودی، محمدباقر)، بیروت-لبنان، بی نا.
- حاکم نیشابوری، ابی عبدالله محمدبن عبدالله، (۱۴۱۱)، مستدرک علی الصحیحین، ج ۳، (محقق: عبدالقادر، عطا)، بیروت، دارالکتب العلمیه.
- حلبی شافعی، ابوالفرج، (۱۴۲۷)، سیره حلبیه، ج ۱، چاپ دوم، بیروت، دارالکتب علمیه.
- حلی، علی مطهر، (۱۴۲۲)، خلاصه الاقوال فی معرفه احوال الرجال(محقق: قیومی، جواد)، چاپ دوم، بی نا، بی جا.
- حنبل شیبانی، احمدبن محمد، (۱۴۱۴)، مسند أحمد، ج ۴، ۵، (تحقیق: محمدالدرویش، عبدالله)، لبنان-بیروت، دارالفکر.
- خسروی حسینی، غلامرضا، (۱۳۸۳)، ترجمه مفردات الفاظ قرآن راغب، ج ۲، تهران، انتشارات مرتضوی
- خلال، ابوبکر محمدبن هارون بن یزید، (۱۴۱۰، ۱۹۸۹م)، السنه، ج ۲، (تحقیق: عطیه الزهرانی)، چاپ اول، ریاض، دارالنشر دارالرایه.
- دارمی، عبدالله بن عبدالرحمن، (۱۴۲۱-۲۰۰۰)، سنن دارمی، ج ۱، (محقق: دارانی، حسین سلیم)، ریاض- عربستان، نشر دارالمغنی.
- دشتی، محمد، (۱۳۸۵)، ترجمه نهج البلاغه، چاپ چهلیم، قم، موسسه فرهنگی تحقیقاتی امیرالمومنین(ع).
- دمیری، کمال الدین، (۱۴۲۴)، حیاة الحیوان الکبری، ج ۱، بیروت لبنان، دارالکتب علمیه.
- ذهبی، ابو عبدالله شمس الدین محمدبن احمدبن عثمان، (۱۳۸۲)، میزان الاعتدال فی نقدالرجال، ج ۱، ۳، (محقق: بجاوی، علی محمد)، بیروت لبنان، دارالمعرفه.
- ذهبی، ابو عبدالله شمس الدین محمدبن احمدبن عثمان، (۱۴۰۹)، تاریخ الاسلام و وفیات المشاهیر والاعلام(تحقیق: تدمری، عمر عبدالسلام)، بیروت، دارالکتب العربی.
- ذهبی، ابو عبدالله شمس الدین محمدبن احمدبن عثمان، (۱۴۱۴)، سیراعلام النبلاء، ج ۴، (محقق: ارناووط شعیب)، بیروت، موسسه دارالرساله.
- ذهبی، شمس الدین، ابو عبدالله محمدبن احمدبن عثمان بن قایماز، (۷۴۸)، المغنی فی الضعفاء، ج ۱ و ۲، (محقق: نورالدین عتر)، بیروت- لبنان، دارالکتب علمیه
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد، (۱۴۰۴)، المفردات فی غریب القرآن، چاپ دوم، بی جا، دفتر نشر کتاب.
- زبیدی و فیروزآبادی، مرتضی و محمدبن محمدبن محمد یعقوب، (۱۴۱۱)، تاج العروس من جواهر القاموس، بیروت، دارالفکر.
- زمخشری، محمودبن عمر، (بی تا)، الفائق فی غریب الحدیث(مصصح: شمس الدین، ابراهیم)، بیروت لبنان، دارالکتب علمیه منشورات محمدعلی بیضون.

- سیوطی، جلال الدین عبدالرحمن بن ابی بکر، (۱۳۱۴)، تفسیر الدرالمثور، ج ۲، بی جا، مطبعه میمنه.
- سیوطی، جلال الدین عبدالرحمن بن ابی بکر، (۱۴۱۷)، اللثالی المصنوعه فی الاحادیث الموضوعه (محقق: عویضه، ابو عبدالرحمن بن صلاح بن محمد)، بیروت-لبنان، دارالکتب علمیه.
- شافعی (ابن مغاذلی)، ابی الحسن علی بن محد بن محمد واسطی، (۱۴۰۲)، مناقب علی بن ابیطالب (ع) (مناقب مغازلی) (محقق: بهبودی، محمد باقر)، چاپ دوم، تهران، دارالکتب اسلامیه.
- شریعتمداری، جعفر، (۱۳۸۷)، شرح و تفسیر لغات قرآن بر اساس تفسیر نمونه، مشهد، بنیاد پژوهشهای اسلامی آستان قدس.
- شوشتری، محمدتقی، (۱۳۷۸)، قاموس الرجال، ج ۱۰، قم، جامعه مدرسین، دفتر انتشارات اسلامی.
- شیبانی، أحمد بن محمد بن حنبل، (۱۴۱۴)، مسند احمد بن حنبل، ج ۱، ۲، ۵ (تحقیق: درویش، عبدالله محمد)، چاپ دوم، بیروت لبنان، انتشارات دارالفکر.
- صاحب بن عباد، اسماعیل بن عباد، (۱۴۱۴)، المحيط فی اللغة، ج ۸، بیروت لبنان، عالم الکتب.
- طالقانی، محمود، (۱۳۶۲)، پرتوی از قرآن، ج ۲، چاپ چهارم، تهران، شرکت سهامی انتشار.
- طبرانی، سلیمان بن احمد، (۱۹۸۳-۱۴۰۴)، معجم الکبیر، ج ۱۲، (محقق: سلفی، حمدی عبدالمجید)، قاهره- مصر، مکتبه ابن تیمیه
- طبرسی، فضل بن حسن، (بی تا)، ترجمه تفسیر مجمع البیان، ج ۱۸، تهران، انتشارات فراهانی.
- طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، (۱۴۰۴)، تاریخ الأمم و الملوک، ج ۲، ۳، (تحقیق: ابراهیم، محمد ابوالفضل)، بیروت، دارالتراث.
- طریحی، فخرالدین (۱۳۷۵)، مجمع البحرین، ج ۵، (محقق: حسینی اشکوری، احمد)، تهران، مکتب المرتضویه.
- عسقلانی، ابن حجر، (۱۹۸۳-۱۴۰۳)، طبقات المدلسین تعریف اهل التقدیس بمراتب الموصوفین بالتدلیس، (محقق: عاصم بن عبدالله قریوتی)، لبنان، مکتبه المنار
- عسقلانی، ابوالفضل احمد بن علی بن محمد بن احمد بن حجر، (۱۳۲۶)، تهذیب التهذیب، ج ۱، هند، مطبعه دائره المعارف نظامیه.
- عقیلی، محمد بن عمرو بن موسی بن حماد، (۱۳۸۷)، ضعفاء کبیر، ج ۳، (محقق: قلجعی، عبدالمعطی امین)، قم، موسسه فرهنگی و اطلاع رسانی تبیان.
- فراهیدی، خلیل بن احمد، (۱۴۰۹)، العین، ج ۷ و ۸، قم، نشر دارالهجره.
- فیروزآبادی، محمد بن یعقوب، (بی تا)، قاموس المحيط، ج ۳، بیروت، علمیه بیضون.
- فیومی، احمد بن محمد بن علی، (۱۴۱۴)، مصباح المنیر فی غریب شرح الکبیر، ج ۲، قم، دارالهجره.
- قرشی بنابی، علی اکبر، (۱۳۰۷)، قاموس قرآن، ج ۱، ۵، تهران، دارالکتب اسلامیه.
- قشیری نیشابوری، ابی الحسن مسلم بن حجاج، (۱۴۱۲)، صحیح مسلم، ج ۱، (تحقیق: محمد فواد عبدالباقی)، قاهره، دارالحدیث.
- قندوزی حنفی، سلیمان ابن ابراهیم، (۱۴۱۶)، ینابیع الموده لذوی القربی، (محقق: اشرف حسینی، علی جمال)، چاپ اول، تهران، دارالأسوه.
- کشی، محمد بن عمر، (۱۳۴۸)، اختیار معرفه الرجال (محقق: علامه مصطفوی)، مشهد، مرکز تحقیقات و مطالعات، دانشگاه مشهد.
- ماحوزی، شیخ احمد، (معاصر)، سلسله احادیث صحیح و حسنه فی فضائل امام علی (ع)، بی جا، مدرسه اهل ذکر (ع).
- متقی هندی، علی بن حسام الدین، (۱۴۱۰)، کنز العمال فی سنن الاقوال و الافعال (محقق: دمیاطی، محمود عمر)، ج ۶، بیروت- لبنان، دارالکتب علمیه.
- مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، (۱۳۸۶)، بحار الانوار، (مترجم: بهبودی، محمد باقر)، چاپ چهارم، تهران، دارالکتب اسلامیه.

- مسعودی، حسین، (۱۴۰۹)، مروج المذهب و معادن الجوهر، ج ۲، (تحقیق: اسعد داغر)، چاپ دوم، قم، دارالهجره.
- مصطفوی، حسن، (۱۳۶۸)، التحقيق فی کلمات القرآن الکریم، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- مطرزی، ابوالفتح ناصرالدین، (۱۳۹۹)، المغرب فی ترتیب المغرب، ج ۲، حلب-سوریه، نشر أسامه بن زید.
- مغنیه، محمدجواد، (۱۳۷۸)، ترجمه تفسیر کاشف، ج ۴، چاپ اول، قم، بوستان کتاب.
- موسوی همدانی، محمدحسین، (۱۳۷۴)، ترجمه تفسیر المیزان، ج ۱۵، چاپ پنجم، قم، دفتر انتشارات اسلامی، جامعه مدرسین حوزه علمیه.
- نسایی، احمدبن علی بن شعیب، (۲۱۵-۳۰۳)، المجتبی من السنن (سنن نسایی)، ج ۵، (محقق: بیت الافکار الدولیه)، ریاض عربستان، بی نا.
- نسایی، احمدبن علی بن شعیب، (۱۴۰۶ ه.ق-۱۹۸۶ م، ضعفاء و المتروکین نسایی (تحقیق: زاید، محمد ابراهیم)، بیروت-لبنان، دارالمعرفه.
- نصیری، علی، (۱۳۸۵)، علم حدیث، قم، مرکز مدیریت حوزه های علمیه خواهران، نشر هاجر.
- واحدی نیشابوری، ابی الحسن علی بن احمد، (۱۴۰۰)، اسباب النزول (محقق: کمال بسیونی زغلول)، دارالکتب علمیه، بیروت.
- واسعی، علی رضا، (۱۳۹۸)، مقاله ابوبکر در قرآن، دایره المعارف قرآن کریم، مرکز فرهنگ و معارف قرآن، ش ۱، ص اول
- یعقوبی، احمدبن ابی یعقوب بن جعفر بن وهب واضح، (۲۸۴)، تاریخ یعقوبی، ج ۲، بیروت، دار صادر.